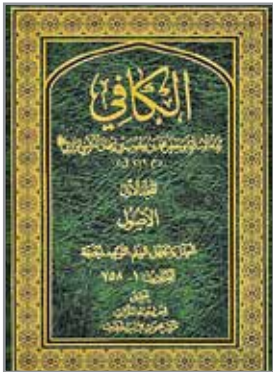


شیخ کلینی برای اینجا و اکنون ایران چه پیامی دارد؟

رویارویی عقل و جهل

حکیمی که «ایمان» را دست‌گیری کرد و از حیرانی عبور داد



مطالعات اسلامی

گروه اندیشه/ نوزدهم اردیبهشت ماه در تقویم ملی ایران، روز بزرگداشت شیخ محمد بن یعقوب کلینی رازی نامگذاری شده است. به گواه اصحاب علوم اسلامی، شیخ کلینی مهم‌ترین و موفق‌ترین محدث شیعه به‌شمار می‌رود. بزرگداشت امسال او مصادف شده با ساخت و نمایش فیلم مستند «الکافی» به کارگردانی مسعود طاهری که درباره کلینی و کتاب مهمش با همین نام است. در چهار یادداشت حاضر به قلم اهالی اندیشه، اهمیت شخصیت کلینی و کتاب «کافی» برای امروز جامعه ایران و پیشرفت علوم اسلامی تبیین شده است.

فیرخی و... سعی خود را بر آن گذاشتند تا سنت فکری ایرانی-اسلامی را از دل تاریخ بیرون کنند و آن را از نو، ساختاریندی کنند و در قالب فهم امروزی ما ارائه دهند. با تمام این احوال، باید توجه داشت که متفکران نامبرده و دیگران همواره کتاب، کلاس و سخنرانی را به عنوان رسانه و ابزار اصلی ارتباطی خود به کار بسته‌اند. بدیهی است که به‌کارگیری رسانه‌های نامبرده اقتضای فعالیت‌های آکادمیک و پژوهشی است، اما این رسانه‌ها به‌رغم توانمندی‌هایی که دارند، نمی‌توانند طیف گسترده‌ای از مخاطبان را در بر گیرند و در زمانی نسبتاً کوتاه سرنخ‌های لازم را در اختیار مخاطبان خود قرار دهند. به همین خاطر در اینجااست که رسانه‌هایی همچون «فیلم» و «پادکست» اهمیت بسزایی می‌یابند و این امکان را فراهم می‌کنند که هرکس بتواند در زمانی نسبتاً کوتاه سرنخ‌های لازم جهت کنکاش سنت در اعماق تاریخ را به‌دست آورد.

فیلم «الکافی» در زمره آن دست‌آ کارهایی است که سعی دارد با تلفیق اندیشه و هنر، به لایه‌های زیرین کوه یخ سنت نفوذ کند و از لایه‌لای آن، سرخ‌هایی را به‌دست دهد که هر کس بتواند بسته به تلاش، علاقه و قابلیت خود راهی به سوی سنت بیابد. به همین خاطر کارگردان در فیلم «الکافی» بر اساس شیوه یا فرهنگ فیلمسازی خود به سراغ روایتگران سرشناس و کم‌سن سنت شیعی می‌رود و سعی می‌کند با ایجاد گفت‌وگویی میان آنان (بی‌آنکه بسیاری از آنان یکدیگر را از نزدیک دیده باشند) گوشه‌ای از لایه‌های پنهان سنت را در زمان «حال» آشکار و به زبان آورد.

از آنجایی که شیوه و فرهنگ فیلمسازی مسعود طاهری چه در «الکافی» و چه در آثار دیگرش مبتنی بر کنکاش و آشکار کردن سنت از دل ایجاد گفت‌وگو میان متخصصان آن موضوع است، این قابلیت زمانی و هنری را به‌وجود می‌آورد که هم سنت را از لایه‌های ستر و ریشه‌دارش به زبان امروزی برگرداند و هم اینکه دیدگاه‌های متخصصان امر را در فضایی عمومی و با زبانی عامه‌فهم به نمایش درآورد. از این رو، مستند «الکافی» تبدیل به پل یا مترجمی می‌شود که سنت شیعی را به دور از زبان پرتکلف مرسوم آن، به نسل و ساخت فکری امروزی انتقال می‌دهد.



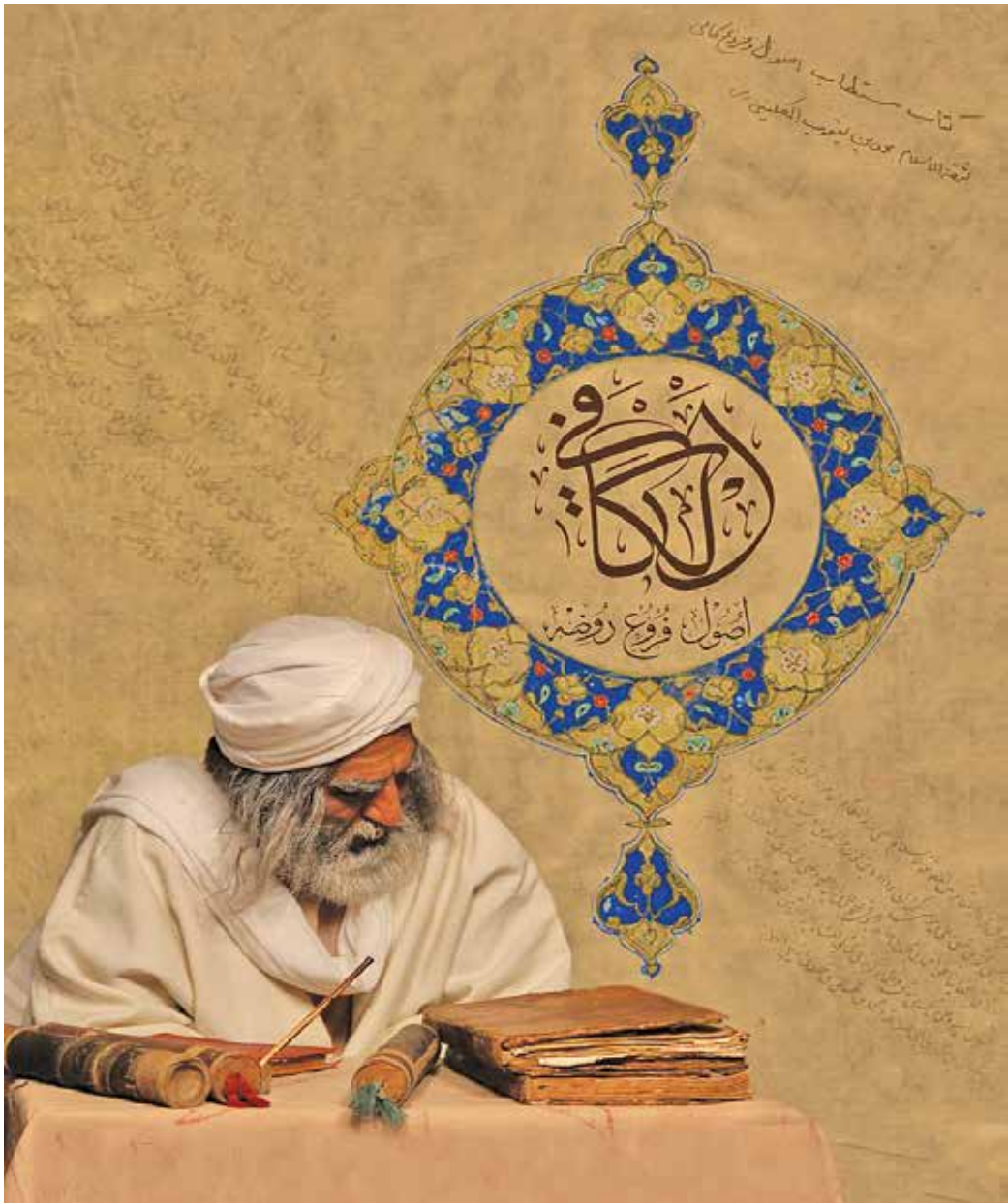
ترجمان سنت

دکتر بهمن ذکی پور

استاد فلسفه تطبیقی دانشگاه میچی ژاپن

اگر «سنت» را همچون کوه یخ در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم که مواجهه روزانه ما با آن تنها مربوط می‌شود به بخش اندکی که در سطح جامعه جریان دارد. به همین خاطر هم طبیعی است که «سنت» در سطح اجتماع همواره خود را در قالب نمادها یا مفاهیم قابل دسترس آشکار می‌کند. چنانکه ما در زندگی روزانه خود بی‌آنکه درباره «سنت» صحبتی کنیم، آن را در قالب نمادها یا مفاهیم همچون مساجد، نحوه پوشش، تعارفات روزانه و... احساس و درک می‌کنیم. بنابراین، بی‌جهت نیست که برخی متولیان امور فرهنگی، سیاست‌های خود را معطوف به قسمت آشکار کوه یخ «سنت» می‌کنند و گاه از لایه‌های ستر و ریشه‌دار آن که در دل تاریخ نهفته است، غافل می‌شوند.

حال، اگر لایه‌های ستر و پنهان سنت را در نظر بگیریم، نمادها یا مفاهیم قابل دسترس به خودی خود نمی‌توانند راهگشای ما به سوی ریشه‌های نهفته در دل تاریخ باشند چرا که در این حالت قابلیت یا ادراکی دیگر نیاز است که بتواند سنت را از دل تاریخ برکشد و آن را در زمان «حال» به زبان آورد و آشکار سازد. با این حال، باید توجه داشت که اگرچه در پهنه وسیع علوم انسانی دیدگاه‌های مختلفی در خصوص فهم لایه‌های عمیق و ریشه‌دار سنت مطرح است، اما برآوردن و به سخن آوردن سنت، اساساً امری فلسفی و هنری است. چنانکه در تاریخ تفکر معاصر ایران نیز افرادی همچون هانری کربن، توشیهیکو ایزوتسو، محمدعلی امیرمعزی، داوود



سوی دیگر با بحران عظیم غیبت امام خود مواجه شده بودند و مورد سوم اینکه، آثار روایی امامیه هنوز مکتوب نشده بود؛ بنابراین ضرورت تألیف جوامع حدیثی امامیه از چند جهت خودنمایی می‌کرد. خالد برقی در کتاب «محاسن» تلاش می‌کند به این ضرورت پاسخ دهد. صفار قمی در کتاب «بصائر الدرجات» روایات امام‌شناسی را گرد می‌آورد. کلینی مجموع این ضرورت‌ها را به‌خوبی درک کرده و دست به نگارش سترگ خود «الکافی» می‌زند.

3. کلینی، 16 هزار روایت کافی را از میان 300 هزار روایت برمی‌گزیند و ضمن گردآوری معارف توحیدی، قرآنی، عقلی، اصولی، فقهی و کلامی در این مجموعه، تیوب بسیار جالبی ارائه می‌دهد. از این رو، جایگاه بی‌بدیل «تخصیص کتب اربعه امامیه» را به خود اختصاص می‌دهد؛ این امر صرفاً به دلیل تقدم زمانی کلینی بر صدوق و طوسی نبود بلکه به این دلیل بود که آن سه کتاب دیگر (فقیه، تہذیب و استبصار) صرفاً فقهی هستند ولی کافی مباحث غیرفقهی را نیز در بر دارد.

4. اندک الفتاتی به اهمیت و جایگاه کتاب کافی در تاریخ امامیه، ضرورت ساخت فیلم و معرفی این کتاب سترگ را بعد از یازده قرن، آشکار می‌کند. انصافاً مستند الکافی از عهده چنین ضرورتی برآمده است. کارگردان در یک مجموعه 107 دقیقه‌ای، اهم اقدام مهم، بکر و سؤال برانگیز از موضوع علمی، دینی و مذهبی را پوشش می‌دهد و هم جذابیت‌های هنری آن را حفظ می‌کند. در میان ابعاد هنری مستند الکافی، نمی‌توان از متن بسیار زیبا و سخته‌ای که گوینده خوش صدا در ضمن مستند الکافی قرات می‌کند، یاد نکرد. تهیه چنین مستند علمی، مستلزم پژوهش مستمر و کارآمد در این زمینه تخصصی است؛ روشن است که نویسنده و کارگردان به خوبی از عهده چنین پژوهشی برآمده است زیرا اطلاعات تاریخی، علمی، حدیثی، رویکردی و علم‌الحديثی بسیار خوبی در این مستند ارائه می‌شود. اهل فن می‌دانند که نویسنده می‌توانست هزاران مطلب تاریخی، اجتماعی، عقیدتی، تفسیری و گفتمانی را مطرح نماید ولی با آگاهی و ژرف‌نگری تمام، بسیاری از این اطلاعات و مباحث را عامدانه کنار گذاشته و به صورت گزینشی - در انتخاب مباحث و کارشناسان- رفتار کرده است تا یک نسخه علمی روزآمد از کتاب کافی برای جامعه اسلامی امروز ارائه دهد.

نسخه‌ای روزآمد بعد از ۱۱ قرن

دکتر غلامرضا ذکیانی

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

1. کتاب «کافی» در یکی از بحرانی‌ترین برهه‌های تشیع امامی نگاشته شده است یعنی از حدود سال 308 تا 328 هجری زیرا از سال 260 که امام حسن عسگری (ع) رحلت کردند، امامیه -که هویتش را با حضور فیزیکی امام تعریف کرده بود- با غیبت امام خود مواجه شد. همین غیبت بی سابقه سبب پیدایش اختلافات شدید در مورد تولد و غیبت امام دوازدهم شد. به نحوی که فرق الشیعه نوبختی از ظهور 14 فرقه در میان شیعیان امامی خبر می‌دهد که فقط دو فرقه به تولد و غیبت امام عصر(عج) باور داشتند. این بحران هویتی به حدی عمیق بود که عده‌ای از شیعیان امامی از امامیه عدول کرده و به سایر فرقه‌ها گرویدند.

2. شافعی بعد از ابوحنیفه عقل‌گرا و مالک (امام مدینه) متوجه شد که برای نیازهای فقهی مردم باید علاوه بر قرآن، سنت پیامبر(ص) نیز در دسترس باشد؛ همین ضرورت گردآوری سنت پیامبر سبب شد تا جوامع حدیثی اهل سنت در قرن سوم نگاشته شوند. پس مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی اهل سنت در قرن سوم نگاشته شد؛ یعنی اهل سنت که از نظر اجتماعی همواره خودشان را متعلق به حکومت بنی‌عباس می‌دانستند، اینک در سده سوم از نظر فرهنگی نیز از کتاب‌های مهم روایی برخوردار شده بودند. امامیه در سده سوم، از یک‌سو تعلق مشابهی به خلافت بنی‌عباس نداشتند و از

از آنکه به حوزه علوم «مفقول» تعلق داشته باشد، به حوزه علوم «معقول» تعلق دارد؛ باری، سخنانی که از ائمه(ع) صادر می‌شود، البته جای تقدیس و تکریم دارند، لیکن این تقدیس و تکریم برای آن‌ها نه امری عارضی بلکه ذاتی است. آن تقدیس و تکریم به دلیل حقایق معقول و حکمت‌های نابی است که در آن‌ها به ودیعت نهاده شده است. به نظر آمده است کلینی در اصول کافی به این موضوع توجه داشته و آن تنظیم و تبویب که در آن معمول شده است، کاملاً حاکی از این است: کتاب عقل و جهل، کتاب فضل علم، کتاب توحید، کتاب حجت و...

بر این اساس، جفا در حق کلینی است اگر او را صرفاً به یک «محدث» تنزل دهیم. در حقیقت کلینی، حکیمی طراز اول است که حدیث حکمت، حدیث علوم عقلی و معارف برهانی را از اهل آن آموخته است و آن حدیث حکمت که در این اثر تعلیم داده شده است خطاب به عقل بشر، خطاب به فطرت

نقش شیخ کلینی و شیخ صدوق در گذار ما به عصر غیبت

دوره شیخ صدوق دوره انتقال از عصر حضور ائمه(ع) به دوره غیبت است که برای ما یک گذر تاریخی مهم به‌شمار می‌رود که در پی آن معارف شیعه، سامان تازه‌ای پیدا می‌کند و ظرفیت‌های جدیدی ایجاد می‌شود تا عالم اسلام به دوره غیبت صغری و پس از آن غیبت کبری منتقل شود. شیخ صدوق و شیخ کلینی از بزرگ‌ترین معماران شیعه هستند که ما را از زمان ظهور به زمان غیبت گذر دادند. آنان معمار تاریخ تشیع و طراحان یک تحول عظیم در عالم تشیع و ایران هستند. ایران در همین ایام است که آغوش خود را روی معارف شیعه می‌گشاید و با عقلانیت از اسلام و معارف قرآن و اهل بیت(ع) استقبال می‌کند.

مرحوم شیخ صدوق از بزرگ‌ترین عالمان و فرزاندانی است که کتب او در حوزه‌های علمیه و مراکز علمی، موج‌آفرین است. او بیش از هزار سال پرچمدار مکتب

بشر است. گو اینکه در پی آن است که به شیوه‌ای روشمند ارتقایی در این عقل و فطرت ایجاد کند و حقایقی را که برایش مغفول مانده است، بدان یادآور شود. در تأیید این مدعا فقط کافی است نگاهی به شرح سترگ صدر المتألهین بر این اثر بیافکنیم. در آنجا ملاصدرا، اصول ژرف حکمت متعالیه خویش را در مقام فهم اصول کافی به کار می‌بندد و نشان می‌دهد که هرگز نمی‌توان اصول کافی را حتی یک متن کلامی و اعتقادی صرف (مختص به شیعیان) دانست، چه رسد به اینکه یک متن روایی محض قلمداد کرد. شرح بی‌مانند ملاصدرا توانسته است قدری از آن گوهرها را که در صدف روایات اصول کافی مکتون است، آشکار سازد؛ با کمال تأسف گویی اجل آن حکیم الهی را مهلت نداده و شرح او در میانه «کتاب حجت» ناتمام مانده است.

جالب این است که در روزگار ما، این اثر بویژه در قالب شرح فلسفی و



معماری الکافی فراتر از معمار خود رفته است

دکتر محمدرضا سرکار آرائی

استاد پداگوژی دانشگاه ناگویای ژاپن

مواجهه با «مستند الکافی» آموزه‌های سازنده‌ای برای مخاطبان حوزه عمومی دارد. محققانه است؛ زیرا به روشنی واژه‌های کلیدی متن و پیام‌های پیدا و پنهان آنها واکاوی می‌شود و از ابهام در فرایند اندیشه‌ورزی پرده برمی‌گردد. ضیق تعبیر زبانی یا فرهنگی برای تبیین غرض و معنی اندیشه‌تولدی دوران روشنگری و شاخص‌های نوسازی فکری-اجتماعی غرب «عجیب و غریب» را روشن می‌کند. برای نمونه، ویژگی‌های «عقل» کلینی با «عقل» یونانی و حتی معتزلی را با تیزبینی، هم از نظر شکل ظاهری و هم معنی باطنی آنها مقایسه می‌کند. سخته‌های به روزی برای شیوه اندیشیدن، سبک بیان مقصود و روش پرورش هنر استدلال به‌دست می‌دهد و تفاوت آن را با «شهود» معمار الکافی ارائه می‌کند. در نتیجه، مخاطب را یاری می‌کند تا برای نمونه تفاوت دو پارادایم «تکلیف‌اندیشی» و «حق‌اندیشی» و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن را در عبارات و واژگان کلیدی سایر متون مشهوری چون «کیمیای سعادت» غزالی و «امیل» ژان ژاک روسو تمیز دهد.

«مستند الکافی» با نگاهی ژرف، مخاطب را خبر می‌کند که این اثر برساخته روزگار حیرت است. دست بر قضا در زمانه تحیر ایران نیز به‌ده آمده است. بنابراین، کارگردان، نویسندگان و گویندگان جا به جا از گذشته، ولی انگار برای امروز ایران سخن می‌گویند. آنان به روشنی نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از کارگزاران امور عینی و عملی عبور کرد و به ساختار، نهاد و فرایندها و چون و چرا در کیفیت ذهنی و نظری آنان رسید.

واکاوی روایی و چگونگی برساختن آیین در گذشته، بویژه بر اساس روایت‌های میان بغداد، ری، کوفه، قم و... در روزگار ترحم تحیر ایران دیده‌ها و داده‌ها، پیام امیدبخشی نیز دارد؛ امکان گشایش نظری و گشودگی عملی و توانایی ایران امروز برای طرح ایده‌های راهنمای تازه.

از این ترغاب «مستند الکافی» عمل گراست؛ با زیرکی نیاز ایران امروز به معماری از جنس الکافی را گوشزد می‌نماید تا همان‌طور که دیروز آیین و «ایمان» را دست‌گیری کرد و از حیرانی عبور داد (ساختن نظریه برای عمل)، حالا در متن این آیین و سنت بازاندیشی کند و راه تازه‌ای به «عمل» اثربخش بکشد (ساختن نظریه در متن عمل). از این منظر این سخن که «معماری الکافی فراتر از معمار خود رفته» قابل تأمل است. دقیقاً مانند هر اثر ماندگار دیگری که ایده راهنمای تازه‌ای در آستین دارد و ره می‌نماید، همه را به بازیگر دعوت می‌کند و بساط گفت‌وگو می‌گستراند.

شاید بپرسید: اگر «مستند الکافی» بموقع آمده است؛ فراتر از تماشا و تشریح خاطر دست‌اندرکاران یا تماشاگران برای اینجا و اکنون ایران چه پیامی دارد؟ به نظر مخاطب عادی چون من، یکی از پیام‌های احتمالی این توانند این باشد: نفرت از حاشیه‌نشینی فکری-فرهنگی و تمدنی، نفی معاصریت، و مادام‌العمر در روایت توسعه بودن، سرنوشت محتوم ایرانیان نیست! اگر! دیروز ملک ری و ساکنانش توانستند «برای» عمل نظریه بسازند، امروز نیز می‌توانند «در» متن عمل چنین کنند؟! ممکن است بپرسید: چگونه؟ خواجه گفت: الکافی را دوباره ببینید نه برای تماشا بلکه برای واکاوی و مواجهه با متن، پیام و چالش‌هایی که در دل و دیده مخاطب می‌نشانند.

این همه البته به خوانش و مواجهه مخاطب با «الکافی» نیز بستگی دارد و اینکه از کدام باب و چگونه و با چه لنزی به الکافی می‌نگرد. الکافی پنجره‌ای به زمان گذشته است؛ تماشا اما از آن مخاطب است. به تعبیر بریلیانت «اگر باورش نکرده بودم، نمی‌توانستم آن را ببینم!»

عرفانی ملاصدرا، توجه هانری کربن را به خود جلب کرده است. او در کتاب «چشم‌اندازهای فلسفی و معنوی اسلام ایرانی» که می‌توان آن شاهکار وی و همچنین شاهکار اسلام‌شناسی مغرب‌زمین دانست، بحث خویش درباره تشیع دوازده امامی را عمدتاً به (کتاب حجت) اصول کافی و شرح ملاصدرا درباره آن مبتنی ساخته است. انگیزه وی از آن نوشته آن است که دریغش می‌آمده که بیش از این، مغرب زمین، از آن گنجینه عقلانیت و معنویت که در این روایات به بیان آمده است، محروم بماند.

اثر هنری و فیلم مستند «الکافی» را نیز باید از این منظر به تماشا نشست. در روزگار ما، رسانه‌های تصویری به مانند یادآورهایی هستند که می‌توانند انسان پردغذغه روزگار ما را به این منابع مکتوب توجه دهند. حتی برای آنان که ممکن است به هر دلیلی هرگز بخت و فرصت خواندن این آثار را پیدا نکنند، این مستند رخداد مبارکی است.

حوزه‌های ری، قم و بغداد را درک کرد، زنجیره سفرهای علمی او به عنوان پرچمدار فکر شیعی به خراسان و مشهد، سمرقند، بلخ، بخارا، همدان و مکه و مدینه فصلی قابل تأمل از زندگی علمی او است. شیخ صدوق در عصر خود با علمای اهل سنت بسیار وارد مباحثه می‌شد تا «وحدت جهان اسلام» را که یک سنت اسلامی است مستحکم‌تر کند.

* مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی آیت‌الله اعرافی است که در مراسم بزرگداشت شیخ صدوق در محل آستان شیخ صدوق شهری ارائه شده است.



آیت‌الله علیرضا اعرافی
مدیر حوزه‌های علمیه کشور